

**اظهار نظر کارشناسی درباره:**  
**«لایحه دوفوریتی شوراهای حل اختلاف»**  
**(اعاده شده از شورای نگهبان (۱))**



مخصوص صحن علنی

مشخصات لایحه

دوره یازدهم - سال اول

شماره ثبت:

۳۵۴

شماره چاپ:

۵۷۱

تاریخ چاپ:

۱۳۹۹/۹/۲۵

معاونت مطالعات  
حقوقی

مشخصات گزارش

شماره مسلسل:

۲۴۰۱۷۳۶۵-۱

تاریخ انتشار:

۱۴۰۰/۲/۱۸



**مقدمه**

قانون شوراهای حل اختلاف ابتدا در سال ۱۳۹۴ با مهلت اجرای آزمایشی سه‌ساله به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و پس از چند بار تمدید مهلت اجرایی آن در این دوره از مجلس لایحه کنونی شوراهای حل اختلاف توسط قوه قضائیه تهیه و تدوین و پس از تصویب در هیئت دولت به صورت دوفوریتی اعلام وصول شده است. متعاقب اعلام وصول لایحه کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس گزارش دوفوریتی خود در خصوص این لایحه را به صحن علنی تقدیم نمود و پس از تصویب در صحن علنی به شورای نگهبان ارسال گردید. شورای نگهبان نیز پس از بررسی مصوبه مجلس در چندین مورد به مصوبه مذکور ایراداتی وارد نمود که این ایرادات در کمیسیون قضایی و حقوقی بررسی و تغییراتی چند در لایحه برای رفع ایرادات شورا از سوی کمیسیون اعمال گردید. این گزارش به بررسی مصوبات کمیسیون قضایی و حقوقی در راستای رفع ایرادات شورای نگهبان می‌پردازد.

**بررسی ایرادات شورای نگهبان و مصوبه کمیسیون و ارائه پیشنهادهای اصلاحی**

شورای محترم نگهبان در چندین مورد ایراداتی به مصوبه مجلس وارد نموده که به بررسی آنها می‌پردازیم:

۱. تبصره «۲» از ماده (۳) از منظر شورای نگهبان از این جهت که افراد مذکور در این ماده منحصرأً بایستی به این شوراها مراجعه کنند یا می‌توانند به شوراهای حل اختلاف غیر از این شوراهای تخصصی نیز مراجعه کنند؛ ابهام دارد؛ با توجه به اینکه در مصوبه اخیر کمیسیون این امکان به وجود آمده است که اقلیت‌های دینی به سایر شوراهای حل اختلاف نیز مراجعه نمایند، این تغییر در مصوبه، ایراد شورای نگهبان را رفع می‌نماید.

۲. در ماده (۴)، شورای نگهبان انتصاب یکی از قضات شاغل در حوزه قضایی به ریاست شوراهای حل اختلاف حوزه قضایی شهرستان و بخش توسط رئیس مرکز راه، مغایر بند «۳» اصل یکصدوپنجاه‌وهشتم (۱۵۸) قانون اساسی شناخته است که در مصوبه کمیسیون این اختیار به رئیس قوه قضائیه واگذار شده است. در نتیجه متن مصوب کمیسیون موافق با بند «۳» اصل یکصدوپنجاه‌وهشتم (۱۵۸) قانون اساسی بوده و این تغییر در مصوبه ایراد شورای نگهبان را رفع می‌نماید.

۳. در تبصره «۳» ماده (۵)، عبارت «تأمین نیروی انسانی» مبهم دانسته شده است که با تغییرات کمیسیون در این ماده و تبدیل عبارت «تأمین نیروی انسانی مورد نیاز برعهده صنوف محل استقرار شورا می‌باشد». به عبارت «تأمین کارکنان اداری و خدماتی مورد نیاز شوراهای مذکور در صورت امکان برعهده نهادهای محل استقرار شورا می‌باشد. کارکنان مذکور با معرفی نهادهای محل استقرار و حکم مرکز منصوب شده و تأمین هزینه‌های کارکنان مذکور و تأمین مالی و پشتیبانی از این کارکنان برعهده نهادهای محل استقرار است». با این تغییر ابهام موجود در این تبصره رفع می‌شود.

۴. در ماده (۵) مکرر حکم مذکور در این ماده، با توجه به افزایش هزینه عمومی و به جهت اینکه طریق مذکور در ماده نیز به‌عنوان طریق تأمین افزایش هزینه‌های جدید به حساب نمی‌آید، ازسوی شورای نگهبان مغایر اصل هفتادوپنجم (۷۵) قانون اساسی شناخته شده است. کمیسیون قضایی و حقوقی از طریق تغییر تبصره «۲» این ماده و اصلاح ماده (۲۳) درصد تأمین محل جدید برای هزینه‌های مذکور برآمده است، لکن اصلاحات کمیسیون قضایی و حقوقی رافع ایراد شورای نگهبان مبنی بر مغایرت ماده با اصل هفتادوپنجم (۷۵) قانون اساسی نیست و ایراد مذکور همچنان پابرجاست. لذا حذف کل این ماده پیشنهاد می‌شود.

۵. در بند «۱» ماده (۶) اطلاق ذکر شرط «تدین به دین مبین اسلام»، نسبت به مواردی که طرف دعوی مؤمن به مذهب رسمی کشور بوده ولی اعضای شورای حل اختلاف از پیروان سایر مذاهب اسلامی باشند، ازسوی شورای نگهبان خلاف موازین شرع شناخته شده است که کمیسیون قضایی بند «۱» این ماده و تبصره آن را به شرح زیر اصلاح نموده است که این اصلاح رافع ایرادات شورای نگهبان است:

«۱. متدین به دین مبین اسلام و مذهب رسمی کشور

تبصره - در مواردی که کلیه طرفین دعوی از پیروان سایر مذاهب مصرح در اصل دوازدهم (۱۲) قانون اساسی باشند، تدین به دین مبین اسلام کفایت می‌کند».

۶. بند «۴» این ماده، نسبت به مواردی که علی‌رغم اشتها به دیانت، عدم وجود شرط دیانت احراز می‌شود، ازسوی شورا خلاف موازین شرع شناخته شده است، که مصوبه کمیسیون رافع ایراد شورای نگهبان است.

۷. در تبصره «۳» همان ماده با توجه به اینکه در تقسیم‌بندی مدارک حوزوی، رشته و گرایش مذکور وجود ندارد، ازسوی شورا ابهام تشخیص داده شده است، که تغییرات متن توسط کمیسیون رافع ایراد شورای نگهبان است.

۸. در ماده (۱۱)، ازسوی شورای نگهبان اطلاق الزام افراد به مراجعه به این شوراها، خلاف موازین شرع و مغایر اصول (۳۴)، ۶۱، ۱۵۶ و (۱۵۸) قانون اساسی شناخته شده است. کمیسیون قضایی و حقوقی سعی نموده است این موضوع را از طریق ارجاع پرونده ازسوی مراجع قضایی به شوراها حل اختلاف رفع نماید که مصوبه کمیسیون به شرح زیر است:

« ماده (۱۱) - در کلیه دعاوی مالی راجع به اموال تا نصاب یک میلیارد (۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال مرجع قضایی باید به‌منظور ایجاد صلح و سازش پرونده را فقط برای یکبار به شورای حل اختلاف ارجاع نماید. شورای حل اختلاف موظف است تلاش کند حداکثر ظرف سه ماه بین طرفین صلح و سازش ایجاد نماید. در صورت حصول صلح و سازش، مطابق ماده (۲۴) این قانون عمل می‌شود و در صورت عدم حصول صلح و سازش پرونده به‌همراه گزارش اقدامات و تحقیقات انجام شده به مرجع قضایی ارسال می‌شود».

با توجه به اینکه به‌نظر می‌رسد مصوبه جدید کمیسیون با مصوبه پیشین از جهت ارجاع دعوا به شورای حل اختلاف برای صلح و سازش تفاوت چندانی ندارد و طبق مصوبه اخیر نیز طرفین ملزم به مراجعه به شوراها حل اختلاف می‌باشند و ایراد شورا نیز دقیقاً به همین موضوع بوده است، فلذا مصوبه جدید رافع ایراد شورای نگهبان نخواهد بود. پیشنهاد می‌شود این ماده به کمیسیون قضایی و حقوقی برای بررسی بیشتر ارجاع گردد.

۹. در ماده (۱۳) اطلاق ماده در صورت وجود موضوع قضایی مغایر شرع و قانون اساسی تشخیص داده شده است که مصوبه اخیر کمیسیون صلاحیت شوراها را به موارد غیرقضایی تقلیل داده است، فلذا مصوبه کمیسیون رافع ایراد شورای نگهبان است.

۱۰. در ماده (۱۴)، درخصوص امکان مخالفت صریح هریک از طرفین پرونده با ارجاع موضوع به شورای حل اختلاف، ازسوی شورا عبارت «صریح» واجد ابهام شناخته شده است که مصوبه کمیسیون رافع ابهام و ایراد احتمالی شورای نگهبان است.

۱۱. در ماده (۱۸)، حکم این ماده از سوی شورای نگهبان (مبنیاً بر ایرادات مورد اشاره در خصوص مواد ۱۱ و ۱۳) خلاف موازین شرع و مغایر اصول مذکور قانون اساسی شناخته شده است که کمیسیون قضایی برای رفع این ایراد ماده (۱۸) را حذف نموده است و با حذف این ماده ایراد شورای نگهبان نیز رفع می‌گردد.

۱۲. در ماده (۲۱) و تبصره‌های آن، از جهت اینکه با توجه به ذکر تمثیلی موارد، دقیقاً مشخص نشده است که در رسیدگی شورا کدام موارد، تابع مقررات آیین دادرسی و کدامیک تابع تشریفات است، از سوی شورا این ماده واجد ابهام است که به منظور رفع ایراد شورای نگهبان تبصره‌های «۱» و «۲» ماده (۲۱) حذف شده است. با توجه به اینکه تبصره‌های «۱» و «۲» این ماده در مقام رفع ابهام از صدر ماده ذکر شده‌اند، با حذف تبصره‌های مذکور ابهام صدر ماده بیشتر می‌شود. لذا به نظر می‌رسد این اصلاح رافع ایراد شورای نگهبان نیست و پیشنهاد می‌شود این ماده به کمیسیون ارجاع گردد.

۱۳. در ماده (۲۲) با توجه به اینکه در موارد صلح و سازش استفاده از وکیل مدنی مجاز دانسته شده است، موارد غیر صلح و سازش در صلاحیت رسیدگی شوراهای حل اختلاف، از سوی شورای نگهبان واجد ابهام دانسته شده است. به نظر می‌رسد وجه ابهام شورای نگهبان در این ماده آن است که آیا از عبارت «در موارد صلح و سازش استفاده از وکیل مدنی مجاز است» می‌توان استنباط نمود که موارد دعاوی غیر صلح و سازش نیز در صلاحیت شورای حل اختلاف است یا خیر؟ اگر پاسخ مثبت باشد که ایراد خلاف شرع مطروحه در مورد ماده (۱۳) در اینجا نیز قابل طرح خواهد بود و اگر پاسخ منفی باشد که ذکر این قید در این ماده بلاوجه خواهد بود. لذا به نظر می‌رسد این اصلاح رافع ایراد شورای نگهبان نیست و پیشنهاد می‌شود این ماده به کمیسیون ارجاع گردد.

۱۴. در ماده (۲۳)، کاهش هزینه رسیدگی شورا در همه موضوعات به میزان هزینه دادرسی در دعاوی غیرمالی محاکم دادگستری، از سوی شورای نگهبان مغایر اصل هفتادوپنجم (۷۵) قانون اساسی شناخته شده است. کمیسیون برای رفع این ایراد مقرر نموده است: «ماده (۲۳) - هزینه رسیدگی شوراهای حل اختلاف در کلیه مراحل، در دعاوی کیفری و دعاوی حقوقی غیرمالی معادل هزینه دادرسی در محاکم دادگستری و در دعاوی مالی هزینه دادرسی معادل پنجاه درصد (۵۰٪) هزینه دادرسی در محاکم دادگستری است». با توجه به حذف دعاوی مالی از صلاحیت شورای حل اختلاف به موجب ماده (۱۳) مصوبه این ماده هیچ مصداقی نخواهد داشت و از این جهت ذکر این اصلاحیه بلاوجه بوده و واجد ایراد است. لذا پیشنهاد می‌شود این ماده نیز به کمیسیون ارجاع گردد.

گفتنی است با توجه به اینکه صلاحیت ذاتی شوراهای حل اختلاف به موجب ماده (۱۳) صرفاً صدور گواهی حصر وراثت و تأمین دلیل می‌باشد و سایر مواردی که به موجب قانون فعلی در صلاحیت شورای حل اختلاف می‌باشد به محاکم دادگستری واگذار شده است و با توجه به اینکه هزینه دادرسی در محاکم دادگستری بیشتر از هزینه دادرسی در شوراهای حل اختلاف است، لذا به موجب این مصوبه مجموعاً درآمد دولت افزایش یافته و ایراد اصل هفتادوپنجم (۷۵) وارد به نظر نمی‌رسد. شایان ذکر است افزایش درآمد مذکور به هیچ وجه رافع ایراد مذکور در ماده (۵) مکرر نخواهد بود.

۱۵. در تبصره «۴» ماده (۲۴)، از این جهت که تکلیف مواردی که اموال غیرمنقول دارای سند رسمی نیستند، روشن نشده است، شورای نگهبان این ماده را واجد ابهام دانسته است به منظور رفع آن در تبصره «۴» ماده (۲۴) عبارت «دارای سند رسمی» بعد از عبارت «اموال غیرمنقول» اضافه شد و یک تبصره به عنوان تبصره «۵» به ماده مذکور به شرح زیر الحاق شد:

«تبصره «۵» - رسیدگی به دعاوی راجع به اموال غیرمنقول که فاقد سند رسمی هستند، صرفاً در صلاحیت مرجع صالح قضایی است.»  
مصوبه کمیسیون رافع ایراد شورای نگهبان است.

پیشنهاد اصلاح عبارتی : ضروری است که به منظور اصلاح و ایضاح تبصره «۴» و تبصره الحاقی به ماده آن عبارت «دارای سند رسمی» که به تبصره «۴» الحاق شده به عبارت «مستند به سند رسمی» تغییر یافته و عبارت از جمله درخواست «صلح و سازش» به قبل از عبارت «پس از تصدیق سند رسمی» در تبصره «۴» و پس از عبارت «فاقد سند رسمی» در تبصره «۵» الحاقی اضافه گردد.

۱۶. در تبصره «۱» ماده (۲۵)، اطلاق منشأ اثر نبودن اظهارات طرفین نسبت به حجت‌های شرعی که به صورت مطلق حجت دانسته شده‌اند نظیر اقرار، ازسوی شورای نگهبان خلاف موازین شرع شناخته شد که به منظور رفع آن تبصره «۱» ماده (۲۵) حذف شده است که مصوبه کمیسیون در راستای حذف این تبصره رافع ایراد شورای نگهبان است.

۱۷. ماده (۲۷) از این جهت که آیا انجام این اقدامات، مطابق ضوابط قانونی خواهد بود یا خیر، ازسوی شورا واجد ابهام دانسته شده که به منظور رفع آن عبارت «مطابق ضوابط قانونی» بعد از کلمه «می‌تواند» اضافه شده است مصوبه کمیسیون رافع ابهام و ایراد شورای نگهبان است.

۱۸. اطلاق تبصره «۲» ماده (۲۹)، نسبت به مواردی که عذر موجه وجود داشته باشد، ازسوی شورا خلاف موازین شرع شناخته شده است که به منظور رفع ایراد ردیف ۱۶ شورای نگهبان تبصره «۲» ماده (۲۹) به شرح زیر اصلاح شد:

«تبصره «۲» - مهلت اعتراض طرفین پرونده به تصمیم شورا با لحاظ جهات عذر موجه مذکور در ماده (۳۰۶) قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹/۱/۲۱ برای اشخاص مقیم ایران بیست روز و برای اشخاص مقیم خارج از کشور دو ماه از تاریخ ابلاغ است.» مصوبه کمیسیون رافع ایراد شورای نگهبان است.

۱۹. در تبصره «۱» ماده (۳۰)، توسعه حکم ماده (۳) قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی که به تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام رسیده است به شوراهای حل اختلاف، ازسوی شورا مغایر اصل یکصد و دوازدهم (۱۱۲) قانون اساسی شناخته شد که به منظور رفع ایرادات با توجه به اینکه پس از اصلاح این ماده در کمیسیون قضایی، اجرای احکام مربوط به ماده (۳) قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی و مادتین (۱۴۶ و ۱۴۷) قانون اجرای احکام مدنی به واحد اجرای احکام دادگاه واگذار شده است، مصوبه کمیسیون رافع ایراد شورای نگهبان است.

۲۰. در تبصره «۱» ماده (۳۳)، انتصاب قاضی به عنوان عضو هیئت بدوی رسیدگی به تخلفات استان با حکم رئیس مرکز، ازسوی شورا مغایر بند «۳» اصل یکصد و پنجاه و هشتم (۱۵۸) قانون اساسی شناخته شده است که در مصوبه کمیسیون این اختیار به رئیس قوه قضائیه واگذار شده و در نتیجه متن مصوب کمیسیون موافق با بند «۳» اصل یکصد و پنجاه و هشتم (۱۵۸) قانون اساسی بوده و این تغییر در مصوبه ایراد شورای نگهبان را رفع می‌نماید.

۲۱. شورای نگهبان در سه مورد تذکراتی نسبت به مصوبه کمیسیون داشته که ازسوی کمیسیون قضایی اصلاح گردیده است:

#### نتیجه‌گیری

مصوبات کمیسیون قضایی بجز چند مورد به خصوص در مورد مواد (۵) مکرر و (۱۱) این لایحه که شرح آن گذشت رافع ایرادات شورای نگهبان است. فلذا پیشنهاد می‌شود موادی که اصلاحات کمیسیون رافع ایراد شورای نگهبان نیست، برای بررسی بیشتر به کمیسیون مجدداً ارجاع گردد.

شماره ماده	موافق	مخالف	ارجاع به کمیسیون	اظهار نظر کارشناسی	متن اصلاحی
تبصره «۲» از ماده (۳)	✓			۱. تبصره «۲» از ماده (۳) از منظر شورای نگهبان از این جهت که افراد مذکور در این ماده منحصرأً بایستی به این شوراها مراجعه کنند یا می‌توانند به شوراهای حل اختلاف غیر از این شوراهای تخصصی نیز مراجعه کنند؟ ابهام دارد؛ با توجه به اینکه در مصوبه اخیر کمیسیون این امکان به وجود آمده است که اقلیت‌های دینی به سایر شوراهای حل اختلاف نیز مراجعه نمایند، <u>این تغییر در مصوبه، ایراد شورای نگهبان را رفع می‌نماید.</u>	
ماده (۴)	✓			۲. در ماده (۴)، شورای نگهبان انتصاب یکی از قضات شاغل در حوزه قضایی به ریاست شوراهای حل اختلاف حوزه قضایی شهرستان و بخش توسط رئیس مرکز راه، مغایر بند «۳» اصل یکصدوپنجاه‌هشتم (۱۵۸) قانون اساسی شناخته است که در مصوبه کمیسیون این اختیار به رئیس قوه قضائیه واگذار شده است. در نتیجه <u>متن مصوب کمیسیون موافق با بند «۳» اصل یکصدوپنجاه‌هشتم (۱۵۸) قانون اساسی بوده و این تغییر در مصوبه ایراد شورای نگهبان را رفع می‌نماید.</u>	
تبصره «۳» از ماده (۵)	تیک موافق			۳. در تبصره «۳» ماده (۵)، عبارت «تأمین نیروی انسانی» مبهم دانسته شده است که با تغییرات کمیسیون در این ماده و تبدیل عبارت «تأمین نیروی انسانی مورد نیاز برعهده صنوف محل استقرار شورا می‌باشد». به عبارت «تأمین کارکنان اداری و خدماتی مورد نیاز شوراهای مذکور در صورت امکان برعهده نهادهای محل استقرار شورا می‌باشد. کارکنان مذکور با معرفی نهادهای محل استقرار و حکم مرکز منصوب شده و تأمین هزینه‌های کارکنان مذکور و تأمین مالی و پشتیبانی از این کارکنان برعهده نهادهای محل استقرار است». <u>با این تغییر ابهام موجود در این تبصره رفع می‌شود.</u>	
ماده (۵) مکرر			✓	۴. در ماده (۵) مکرر حکم مذکور در این ماده، با توجه به افزایش هزینه عمومی و به جهت اینکه طریق مذکور در ماده نیز به‌عنوان طریق تأمین افزایش هزینه‌های جدید به حساب نمی‌آید، از سوی شورای نگهبان مغایر اصل هفتادوپنجم (۷۵) قانون اساسی شناخته شده است. کمیسیون قضایی و حقوقی از طریق تغییر تبصره «۲» این ماده و اصلاح ماده (۲۳) درصد تأمین محل جدید برای هزینه‌های مذکور برآمده است، لکن اصلاحات کمیسیون قضایی و حقوقی رافع ایراد شورای نگهبان مبنی بر مغایرت ماده با اصل هفتادوپنجم (۷۵) قانون اساسی نیست و <u>ایراد مذکور همچنان با برجاست. لذا حذف کل این ماده پیشنهاد می‌شود.</u>	
بند «۱» از ماده (۶)	✓			۵. در بند «۱» ماده (۶) اطلاق ذکر شرط «تدین به دین مبین اسلام»، نسبت به مواردی که طرف دعوی مؤمن به مذهب رسمی کشور بوده ولی اعضای شورای حل اختلاف از پیروان سایر مذاهب اسلامی باشند، از سوی شورای نگهبان خلاف موازین شرع شناخته شده است که کمیسیون قضایی بند «۱» این ماده و تبصره آن را به شرح زیر اصلاح نموده است که <u>این اصلاح رافع ایرادات شورای نگهبان است:</u> «۱. متدین به دین مبین اسلام و مذهب رسمی کشور تبصره - در مواردی که کلیه طرفین دعوی از پیروان سایر مذاهب مصرح در اصل دوازدهم (۱۲) قانون اساسی باشند، تدین به دین مبین اسلام کفایت می‌کند.»	

شماره ماده	موافق	مخالف	ارجاع به کمیسیون	اظهار نظر کارشناسی	متن اصلاحی
بند «۴» از ماده (۶)	✓			۶. بند «۴» این ماده، نسبت به مواردی که علی‌رغم اشتباه به دیانت، عدم وجود شرط دیانت احراز می‌شود، ازسوی شورا خلاف موازین شرع شناخته شده است، که مصوبه کمیسیون رافع ایراد شورای نگهبان است.	
تبصره «۳» از ماده (۶)	✓			۷. در تبصره «۳» همان ماده با توجه به اینکه در تقسیم‌بندی مدارک حوزوی، رشته و گرایش مذکور وجود ندارد، ازسوی شورا ابهام تشخیص داده شده است، که تغییرات متن توسط کمیسیون رافع ایراد شورای نگهبان است.	
ماده (۱۱)			✓	۸. در ماده (۱۱)، ازسوی شورای نگهبان اطلاق الزام افراد به مراجعه به این شوراها، خلاف موازین شرع و معایر اصول (۳۴، ۶۱، ۱۵۶ و ۱۵۸) قانون اساسی شناخته شده است. کمیسیون قضایی و حقوقی سعی نموده است این موضوع را از طریق ارجاع پرونده ازسوی مراجع قضایی به شوراهای حل اختلاف رفع نماید که مصوبه کمیسیون به شرح زیر است: «ماده (۱۱) - در کلیه دعاوی مالی راجع به اموال تا نصاب یک میلیارد (۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال مرجع قضایی باید به‌منظور ایجاد صلح و سازش پرونده را فقط برای یکبار به شورای حل اختلاف ارجاع نماید. شورای حل اختلاف موظف است تلاش کند حداکثر ظرف سه ماه بین طرفین صلح و سازش ایجاد نماید. در صورت حصول صلح و سازش، مطابق ماده (۲۴) این قانون عمل می‌شود و در صورت عدم حصول صلح و سازش پرونده به‌همراه گزارش اقدامات و تحقیقات انجام شده به مرجع قضایی ارسال می‌شود». با توجه به اینکه به‌نظر می‌رسد مصوبه جدید کمیسیون با مصوبه پیشین از جهت ارجاع دعوا به شورای حل اختلاف برای صلح و سازش تفاوت چندانی ندارد و طبق مصوبه اخیر نیز طرفین ملزم به مراجعه به شوراهای حل اختلاف می‌باشند و ایراد شورا نیز دقیقاً به همین موضوع بوده است، فلذا مصوبه جدید رافع ایراد شورای نگهبان نخواهد بود. پیشنهاد می‌شود این ماده به کمیسیون قضایی و حقوقی برای بررسی بیشتر ارجاع گردد.	
ماده (۱۳)	✓			۹. در ماده (۱۳) اطلاق ماده در صورت وجود موضوع قضایی مغایر شرع و قانون اساسی تشخیص داده شده است که <u>مصوبه اخیر کمیسیون صلاحیت شوراها را به موارد غیرقضایی تقلیل داده است؛ فلذا مصوبه کمیسیون رافع ایراد شورای نگهبان است.</u>	
ماده (۱۴)	✓			۱۰. در ماده (۱۴)، درخصوص امکان مخالفت صریح هریک از طرفین پرونده با ارجاع موضوع به شورای حل اختلاف، ازسوی شورا عبارت «صریح» واجد ابهام شناخته شده است که <u>مصوبه کمیسیون رافع ابهام و ایراد احتمالی شورای نگهبان است.</u>	
ماده (۱۸)	✓			۱۱. در ماده (۱۸)، حکم این ماده ازسوی شورای نگهبان (مبنیاً بر ایرادات مورد اشاره درخصوص مواد ۱۱ و ۱۳) خلاف موازین شرع و معایر اصول مذکور قانون اساسی شناخته شده است که کمیسیون قضایی برای رفع این ایراد ماده (۱۸) را حذف نموده است و <u>با حذف این ماده ایراد شورای نگهبان نیز رفع می‌گردد.</u>	
ماده (۲۱)			✓	۱۲. در ماده (۲۱) و تبصره‌های آن، از جهت اینکه با توجه به ذکر تمثیلی موارد، دقیقاً مشخص نشده است که در رسیدگی شورا کدام موارد، تابع مقررات آیین دادرسی و کدامیک تابع تشریفات است،	

شماره ماده	موافق	مخالف	ارجاع به کمیسیون	اظهار نظر کارشناسی	متن اصلاحی
				ازسوی شورا این ماده واجد ابهام است که به منظور رفع ایراد شورای نگهبان تبصره‌های «۱» و «۲» ماده (۲۱) حذف شده است. با توجه به اینکه تبصره‌های «۱» و «۲» این ماده در مقام رفع ابهام از صدر ماده ذکر شده‌اند، با حذف تبصره‌های مذکور ابهام صدر ماده بیشتر می‌شود. لذا به نظر می‌رسد این اصلاح رافع ایراد شورای نگهبان نیست و پیشنهاد می‌شود این ماده به کمیسیون ارجاع گردد.	
ماده (۲۲)			✓	۱۳. در ماده (۲۲) با توجه به اینکه در موارد صلح و سازش استفاده از وکیل مدنی مجاز دانسته شده است، موارد غیر صلح و سازش در صلاحیت رسیدگی شوراهای حل اختلاف، ازسوی شورای نگهبان واجد ابهام دانسته شده است. به نظر می‌رسد وجه ابهام شورای نگهبان در این ماده آن است که آیا از عبارت «در موارد صلح و سازش استفاده از وکیل مدنی مجاز است» می‌توان استنباط نمود که موارد دعاوی غیر صلح و سازش نیز در صلاحیت شورای حل اختلاف است یا خیر؟ اگر پاسخ مثبت باشد که ایراد خلاف شرع مطروحه در مورد ماده (۱۳) در اینجا نیز قابل طرح خواهد بود و اگر پاسخ منفی باشد که ذکر این قید در این ماده بلاوجه خواهد بود. لذا به نظر می‌رسد این اصلاح رافع ایراد شورای نگهبان نیست و پیشنهاد می‌شود این ماده به کمیسیون ارجاع گردد.	
ماده (۲۳)			✓	۱۴. در ماده (۲۳)، کاهش هزینه رسیدگی شورا در همه موضوعات به میزان هزینه دادرسی در دعاوی غیرمالی محاکم دادگستری، ازسوی شورای نگهبان مغایر اصل هفتادوپنجم (۷۵) قانون اساسی شناخته شده است. کمیسیون برای رفع این ایراد مقرر نموده است: «ماده (۲۳) - هزینه رسیدگی شوراهای حل اختلاف در کلیه مراحل، در دعاوی کیفری و دعاوی حقوقی غیرمالی معادل هزینه دادرسی در محاکم دادگستری و در دعاوی مالی هزینه دادرسی معادل پنجاه درصد (۵۰٪) هزینه دادرسی در محاکم دادگستری است». با توجه به حذف دعاوی مالی از صلاحیت شورای حل اختلاف به موجب ماده (۱۳) مصوبه این ماده هیچ مصداقی نخواهد داشت و از این جهت ذکر این اصلاحیه بلاوجه بوده و واجد ایراد است. لذا پیشنهاد می‌شود این ماده نیز به کمیسیون ارجاع گردد.	
				<b>گفتنی است با توجه به اینکه صلاحیت ذاتی شوراهای حل اختلاف به موجب ماده (۱۳) صرفاً صدور گواهی حصر وراثت و تأمین دلیل می باشد و سایر مواردی که به موجب قانون فعلی در صلاحیت شورای حل اختلاف می‌باشد به محاکم دادگستری واگذار شده است و با توجه به اینکه هزینه دادرسی در محاکم دادگستری بیشتر از هزینه دادرسی در شوراهای حل اختلاف است، لذا به موجب این مصوبه مجموعاً درآمد دولت افزایش یافته و ایراد اصل هفتادوپنجم (۷۵) وارد به نظر نمی‌رسد. شایان ذکر است افزایش درآمد مذکور به هیچ وجه رافع ایراد مذکور در ماده (۵) مکرر نخواهد بود.</b>	
تبصره «۴» از ماده (۲۴)	تیک موافق			۱۵. در تبصره «۴» ماده (۲۴)، از این جهت که تکلیف مواردی که اموال غیرمنقول دارای سند رسمی نیستند، روشن نشده است، شورای	

شماره ماده	موافق	مخالف	ارجاع به کمیسیون	اظهار نظر کارشناسی	متن اصلاحی
				<p>نگهبان این ماده را واجد ابهام دانسته است به منظور رفع آن در تبصره «۴» ماده (۲۴) عبارت «دارای سند رسمی» بعد از عبارت «اموال غیرمنقول» اضافه شد و یک تبصره به عنوان تبصره «۵» به ماده مذکور به شرح زیر الحاق شد:</p> <p>«تبصره «۵» - رسیدگی به دعاوی راجع به اموال غیرمنقول که فاقد سند رسمی هستند، صرفاً در صلاحیت مرجع صالح قضایی است.»</p> <p><u>مصوبه کمیسیون رافع ایراد شورای نگهبان است.</u></p> <p>پیشنهاد اصلاح عبارتی: ضروری است که به منظور اصلاح و ایضاح تبصره ۴ و تبصره الحاقی به ماده آن عبارت «دارای سند رسمی» که به تبصره ۴ الحاق شده به عبارت «مستند به سند رسمی» تغییر یافته و عبارت از جمله درخواست «صلح و سازش» به قبل از عبارت « پس از تصدیق سند رسمی» در تبصره ۴ و پس از عبارت «فاقد سند رسمی» در تبصره ۵ الحاقی اضافه گردد.</p>	
تبصره «۱» از ماده (۲۵)	✓			<p>۱۶. در تبصره «۱» ماده (۲۵)، اطلاق منشأ اثر نبودن اظهارات طرفین نسبت به حجت‌های شرعی که به صورت مطلق حجت دانسته شده‌اند نظیر اقرار، ازسوی شورای نگهبان خلاف موازین شرع شناخته شد که <u>به منظور رفع آن تبصره «۱» ماده (۲۵) حذف شده است که مصوبه کمیسیون در راستای حذف این تبصره رافع ایراد شورای نگهبان است.</u></p>	
ماده (۲۷)	✓			<p>۱۷. ماده (۲۷) از این جهت که آیا انجام این اقدامات، مطابق ضوابط قانونی خواهد بود یا خیر، ازسوی شورا واجد ابهام دانسته شده که به منظور رفع آن عبارت «مطابق ضوابط قانونی» بعد از کلمه «می‌تواند» اضافه شده است <u>مصوبه کمیسیون رافع ابهام و ایراد شورای نگهبان است.</u></p>	
تبصره «۲» از ماده (۲۹)	✓			<p>۱۸. اطلاق تبصره «۲» ماده (۲۹)، نسبت به مواردی که عذر موجه وجود داشته باشد، ازسوی شورا خلاف موازین شرع شناخته شده است که به منظور رفع ایراد ردیف ۱۶ شورای نگهبان تبصره «۲» ماده (۲۹) به شرح زیر اصلاح شد:</p> <p>«تبصره «۲» - مهلت اعتراض طرفین پرونده به تصمیم شورا با لحاظ جهات عذر موجه مذکور در ماده (۳۰۶) قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹/۱/۲۱ برای اشخاص مقیم ایران بیست روز و برای اشخاص مقیم خارج از کشور دو ماه از تاریخ ابلاغ است.» <u>مصوبه کمیسیون رافع ایراد شورای نگهبان است.</u></p>	
تبصره «۱» از ماده (۳۰)	تیک موافق			<p>۱۹. در تبصره «۱» ماده (۳۰)، توسعه حکم ماده (۳) قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی که به تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام رسیده است به شوراها حل اختلاف، ازسوی شورا مغایر اصل یکصد و دوازدهم (۱۱۲) قانون اساسی شناخته شد که به منظور رفع ایرادات در ماده (۳۰) عبارت «مطابق قوانین و مقررات جاری کشور» بعد از عبارت «واحد اجرای احکام شورا» اضافه شده و تبصره «۲» ماده (۳۰) حذف شده و تبصره «۱» ماده (۳۰) به شرح زیر اصلاح شد:</p> <p>«تبصره - گزارش اصلاحی پس از صدور برگ اجرائیه مطابق قوانین و مقررات جاری کشور اجرا می‌شود. در صورتی که اجرای گزارش اصلاحی</p>	

متن اصلاحی	اظهارنظر کارشناسی	ارجاع به کمیسیون	مخالف	موافق	شماره ماده
	<p>مستلزم اجرای ماده (۳) قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۹۴/۳/۲۳ مجمع تشخیص مصلحت نظام یا مستلزم اجرای یکی از مواد (۱۴۶) و (۱۴۷) قانون اجرای احکام مدنی مصوب ۱۳۵۶/۸/۱ با اصلاحات و الحاقات بعدی باشد، اجرای گزارش اصلاحی توسط واحد اجرای احکام مرجع قضایی همان حوزه قضایی انجام می‌شود.</p> <p><u>با توجه به اینکه پس از اصلاح این ماده در کمیسیون قضایی، اجرای احکام مربوط به ماده ۳ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی و مادتهای ۱۴۶ و ۱۴۷ قانون اجرای احکام مدنی به واحد اجرای احکام دادگاه واگذار شده است، مصوبه کمیسیون رافع ایراد شورای نگهبان است</u></p>				
				✓	تبصره «۱» از ماده (۳۳)
				✓	تذکرات ماده (۷) و ماده (۴۲)
				✓	تذکرات ماده (۳۴)